

یادداشت

لزوم نظارت

بر فعالیت مؤسسات خیریه



● فعالیت مؤسسات و انجمن‌های خیریه با هدف کمک‌های مادی به نیازمندان و افراد خاص (بیماران و...) همواره در کشور ما مرسوم بوده است و فعالیت نیک شمرده می‌شود. اما همواره و در هر امری امکان سوءاستفاده از احساسات و عواطف انسان‌دوستانه مردم وجود دارد، حتی امکان کلاهبرداری افراد کلاه در قالب ایجاد مؤسسات خیریه و انجام فعالیت‌های غیرمجاز در پوشش خیریه نیز در سال‌های اخیر نمونه‌های بسیاری داشته است.

در سال گذشته رئیس کمیسیون اقتصادی وقت مجلس (دکتر پورابراهیمی) در همایش گزارشگری مالی به وجود تعداد ۷۰ هزار خیریه در ایران اشاره کردند که هیچ‌گونه شفافیت مالی و الزامی به ارائه صورت‌های مالی و فعالیت‌های خود ندارند. این عدم شفافیت‌ها در کنار فعالیت‌های متقلبانه در پوشش این‌گونه مؤسسات در بلندمدت سبب ایجاد بی‌اعتمادی در مردم و پرهیز از انجام امور خیر و کمک به افراد واقعا نیازمند در جامعه خواهد شد.

بنابراین درباره شفاف‌سازی فعالیت آنها توجه به موضوع صدور مجوز تأسیس خیریه‌ها، نظارت بر فعالیت آنها و حسابرسی و شفافیت این مؤسسات ضرورت دارد. صدور مجوز این نوع انجمن‌ها و مؤسسات در حال حاضر از سازمان‌ها و نهادهای مختلفی انجام می‌شود به طوری که موازی‌کاری‌های چندگانه در این موضوع کاملا مشهود است. به سه طور کلی بیشتر خیریه‌های موجود از طرف سازمان بهزیستی مجوز تأسیس و فعالیت دارند اما از آن جایی که برخی از آنها نام انجمن را یک می‌کشند، می‌توانند از طریق وزارت کشور نیز مجوز تأسیس و فعالیت کسب کنند. از طرفی برخی از آنها نیز که به صورت مؤسسات تأسیس می‌شوند، می‌توانند از طریق وزارت فرهنگ و ارشاد فعالیت کنند. همین تعدد ارگان‌های مجوزدهنده می‌تواند سبب گمراهی نهادهای نظارتی و افزایش امکان عدم پاسخ‌گویی این مؤسسات و انجمن‌ها باشد.

ممکن است از این یادداشت این برداشت شود که هدف نگارنده تضعیف مشارکت مردمی در ایجاد خیریه است، در حالی که هدف جلوگیری از سوءاستفاده افرادی است که در لوی مؤسسات خیریه در حال سوءاستفاده از حسن نوع‌دوستی مردم هستند... چراکه فقط با نظارت دقیق و حسابرسی می‌توان این افراد پلید را شناسایی کرد.

در این راستا مدیر کل مشارکت‌های مردمی سازمان بهزیستی کشور نیز در دی‌ماه سال ۹۷ می‌گوید: «معمولا سازمان بهزیستی برای مؤسسات خیریه مجوز صادر می‌کرد اما اکنون وزارتخانه‌های ارشاد، وزارت کشور، شهرداری، نیروی انتظامی، وزارت ورزش و جوانان و... نیز اقدام به چنین کاری می‌کنند که نظارت و کنترل برای این مؤسسات را دچار مشکل کرده است. (۱۳۹۷ دی ۱۷ yjc.ir)

وی درباره نظارت سازمان بهزیستی ادعا می‌کند مؤسساتی که از بهزیستی مجوز می‌گیرند به صورت ماهانه و سالانه گزارشات مالی خود را به بهزیستی ارائه می‌کنند و سازمان امور مالیاتی نیز مالیات آنها را چک می‌کند. این در حالی است که همین مقام مسئول در بهزیستی که ادای نظارت ماهانه بر فعالیت خیریه‌ها و چک شدن مالیات آنها از سوی اداره مالیات را مطرح کرد، در جای دیگری بیان می‌کند متأسفانه توان مناسبی برای نظارت بر عملکرد مؤسسات خیریه به‌ویژه در بخش مالی آنها وجود ندارد!! (ion.ir ۲۶ خرداد ۹۷).

اما باید توجه داشت نظارت مالی یک امر تخصصی است که در هر کشوری بر عهده حسابرسان قرار می‌گیرد، بنابراین باید توجه داشت علاوه بر اینکه ممکن است مؤسسات و انجمن‌های خیریه‌ای که از نهادهای دیگر (غیر از بهزیستی) مجوز گرفته‌اند تحت هیچ گونه نظارتی قرار نگیرند، مؤسساتی که از بهزیستی نیز مجوز گرفته‌اند باید تحت حسابرسی مالی نهاد مستقل مانند سازمان حسابرسی یا جامعه حسابداران رسمی قرار گیرند.

شاید نیاز باشد شرکت‌های حسابرسی که شرکت‌های بزرگ را تحت حسابرسی خود دارند در راستای مسئولیت اجتماعی (CSR) چند مؤسسه و انجمن خیریه را نیز به صورت رایگان حسابرسی کنند و در مقابل همه مؤسسات و انجمن‌های خیریه نیز موظف باشند که گزارش حسابرسی داشته باشند و در غیر این صورت مجوز آنها باطل شود.

اقتصاد

محسن صفایی‌فراهانی در گفت‌وگو با «شرق»، از ضرورت اصلاحات در ساختار اقتصاد ایران می‌گوید

بردارهای فساد هم جهت شده است

لیلا مرکن



علی حسینی، سیدزبان، شرق

این روزها که دولت بحث حذف چهار صفر از پول ملی را به تصویب رسانده، همه جا سخن از امکان اجرائی شدن این تصمیم است. بسیاری از کارشناسان بر این باورند بدون اصلاحات ساختاری در اقتصاد ایران، سیاست حذف چهار صفر از پول ملی به نتیجه مطلوب نمی‌رسد اما این اصلاحات ساختاری چه پیش‌نیازهایی دارد؟ اقتصاد ایران چه مشخصاتی دارد و برای حل مشکلات اقتصادی، باید به رفع کدام مشکلات بیشتر توجه شود. در گفت‌وگو با محسن صفایی‌فراهانی تلاش کردیم با واکاوی چالش‌های اقتصاد ایران، به تأثیر اعمال سیاست حذف چهار صفر از پول ملی بر زندگی مردم تمرکز کنیم. او که سابقه حضور در وزارتخانه‌های صنایع، نیرو و اقتصاد و دارایی را دارد، شرایط اقتصاد ایران را آماده حذف صفر از پول ملی نمی‌داند. به اعتقاد او، اصلاحات برای توسعه حضور بخش خصوصی در اقتصاد ایران به این منتهی شده است که ۸۳ درصد واگذاری‌ها به نهادهایی انجام شود که هیچ نظارت و کنترلی روی آن وجود ندارد. واگذاری‌ها به بخش خصوصی عملا به هم‌جهت‌کردن بردارهای فساد در کشور دامن زده است. این واگذاری‌ها منجر به این شده است که امروز

ولی وقتی که این شرایط برعکس عمل شد، همان مقدار کنترل ناچیز نهادی نظارتی هم از بین رفت و

شرایط به‌گونه‌ای شد که امروز شما می‌گویید که فساد یک فساد نهادینه‌شده است، به نظر من عدم توجه و شناخت از ریشه‌ها یکی از پایه‌های این کار است. منتها متأسفانه نتیجه این عملکرد و رویداد شرایطی را در کشور به وجود آورده است که امروز شاهد فرار سرمایه و فرار مغزها به صورت خیلی جدی هستیم؛ یعنی آمارها بسیار نگران‌کننده شده است. گزارش‌های صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهند که در میان ۹۱ کشور، ایران رتبه اول از نظر فرار مغزها را دارد، دولت به این توجه ندارد که دموکراسی سیاسی از دموکراسی اقتصادی قابل تفکیک نیست؛ اولی خلاصه شد در پای صندوق رأی‌رفتن و دومی هم با حاکم‌شدن اصحاب

قدرت بر اقتصاد کشور، بورژوازی ملی جای خود را به بورژوازی رانت‌خواری داده است؛ کسانی که با آوردن قدرت سیاسی خود در اقتصاد و اقدامات فراقانونی اقتصاد تولیدمخوَر را به یک اقتصاد رانت‌محور تبدیل کردند نتیجه آن تعطیل‌شدن واحدهای مولد و تشدید رکود اقتصادی و فلج‌شدن اقتصاد کشور است! بی‌دلیل نیست که اقدامات تندروها با ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در مورد فشار بر اقتصاد

ایران هم‌جهت است. برای آنها بهترین شرایط در ایران همین شرایط تحریم کشور است!! مجموعه این شرایط به ناپساامانی‌ها و بی‌عدالتی‌های بیشتر در جامعه منتهی می‌شود که باعث فرار مغزها و سرمایه از کشور می‌شود.

در سال ۱۹۸۰ تورگوت اوزال در ترکیه یک تغییروتحول و اصلاحات اقتصادی را شروع می‌کند. بعد حزب عدالت و توسعه همان روند را به نوعی ادامه داده و ابزار کار خود قرار می‌دهد. ترکیه امروز جرز ۱۵ اقتصاد دنیا شده است. در بررسی‌های توانمندی‌های نیروی انسانی که در گزارش‌های سازمان ملل آمده است، در بین کشورهای جهان، ایران رتبه ۱۵ را دارد، ولی در عمل نتیجه را معکوس می‌بینید؛ ترکیه توسعه‌یافت‌تر و یک اقتصاد قابل‌قبول به دست آورده است، درمقابل در ایران به دلیل فوق، مهاجرت مغزها را داریم. بهترین توانمندی نیروهای انسانی منطقه منا (خاورمیانه و شمال آفریقا) را ایران دارد، اما شاهد هستیم که مهاجرت روزبه‌روز بیشتر می‌شود. بنیاد ملی نخبگان ایران اعلام کرد ۳۰۸ نفر از دارندگان مدال المپیاد و ۳۵۰ نفر از برترین‌های آزمون سراسری از سال ۸۲ تا ۸۶ به خارج مهاجرت کرده‌اند! طبق آمار اداره گذرنامه، در سال ۸۷ جمعا هزار و ۴۰۰ نفر با درجه دکترا، پنج‌هزار و ۲۵۰ نفر با درجه فوق‌لیسانس و پنج‌هزار و ۲۷۵ نفر لیسانس از کشور مهاجرت کردند! این شرایط حاکی از روش‌های غلط اتخاذشده بوده که اقدامات همه به نفع رانت‌خواران تمام شده است!!

● **دلیل بروز رانت‌خواری در اقتصاد ایران**

۴۰ تا ۴۵ درصد اقتصاد ایران در دست نهادهای باشد. همچنین در ۱۵ سال اخیر رانت کاملا به سمت رانت غارتی و فرصت‌طلبانه رفته است؛ رانتی که هیچ اثری از آن در اقتصاد ایران دیده نمی‌شود و این شرایط باعث شده است اندازه کلی ظرفیت یک اقتصادی ایران کوچک‌تر شود. به اعتقاد او، دموکراسی سیاسی از دموکراسی اقتصادی قابل تفکیک نیست اما در ایران دموکراسی سیاسی به پای صندوق رأی‌رفتن خلاصه شده و دموکراسی اقتصادی هم با حاکم‌شدن اصحاب قدرت بر اقتصاد کشور، بورژوازی رانت‌خواری را جایگزین بورژوازی ملی کرده است. صفایی‌فراهانی بر این باور است اگر بنا باشد فساد گسترده باشد، دیگر با برخورد نمی‌توان با آن مبارزه کرد، باید برای حل مسئله به اصلاحات بنیادی‌تن داده شود. بدون اصلاح قانون اساسی و امکان پاسخ‌گودکردن همه دستگاه‌ها بهادران قانونی به نهادهای مدنی و احزاب همچنین مهار فرادستان امکان‌دادن به مدیریت کاذب‌های اداره کشور، نمی‌توان به نتیجه مطلوب رسید. مشروح گفت‌وگو با محسن صفایی‌فراهانی، قائم‌مقام وزارت امور اقتصادی و دارایی ایران در دولت اصلاحات، در ادامه می‌آید.

● **چيست؟ رانت‌خواری مشکلی جدی برای اقتصاد ایران به حساب می‌آید؟**

گسترش میدان حامی‌پروری بدون توزیع رانت‌های گسترده امکان ندارد. گزارش‌های اقتصادی بانک مرکزی در شش‌ماهه دوم سال ۹۶ نشان می‌دهد که بیش از ۲۵ میلیارد دلار فرار سرمایه از ایران بوده است. اینها همه نتیجه همان نظام دسترسی محدود است. اقتصاد کشور در انحصار گروه بسیار محدود است و نظام دسترسی، بسیار محدود و بسته شده است. نظام‌های دسترسی محدود در برخی کشورهای دیگر هم وجود دارد؛ ولی صرفا به یک گروهی خاص برنمی‌گردد، عملا شرایط را به میزانی رقابت‌پذیر در درون همان‌ها تبدیل کرده و اقتصادشان جاذب شده است نه دافع. اما متأسفانه اقتصاد ایران یک اقتصاد دافع شده است. عملا کسانی که

این رانت‌ها،

● **رانت‌های تخریبی شده است. مثلا کسانی که در گذشته وام گرفتند، شهرک اکباتان را ساختند. به هر حال این منابع در کشور ایجاد اشتغال کرد. یک ارزش افزوده درون کشور ایجاد کرد. با کسی که وام گرفت و ایران خودرو را ایجاد کرد، به هر حال هزاران نفر انسان را مشغول به کار کرد. اما در حال حاضر رانت‌ها، رانت غارتی است**

● **در ۱۵ سال اخیر تشدید شده است. هیچ وقت کشور چنین شرایطی را نداشته است که این همه عرصه برای کسانی که بخواهند فعالیت سالم داشته باشند، محدود شود، همه تکنها برای کسانی است که می‌خواهند کار را صحیح انجام دهند. عملا اینها از عرصه اقتصاد رانده می‌شوند. طبیعی است که با این روند اقتصاد مبتنی بر تولید که به بالا رفتن ارزش‌افزوده و رشد اقتصادی منجر می‌شود جای خود را به اقتصاد رانتی و غارتی می‌دهد. روزبه‌روز از تولید فاصله گرفته می‌شود؛ بعد از چند سال که از محاکمه آقای بابک زنجانی می‌گذرد، چرا دسترسی به اموال او این‌قدر مشکل است یا بقیه کسانی که به‌عنوان سلطان و... معروف و محاکمه شدند، هم همین وضع را دارند!! کملا مشخص است آنها آنچه به‌عنوان رانت نصیبشان شد به سرمایه درون کشور و تولید تبدیل نکردند بلکه این منابع غارت شد!!**

● **هیچ آثاری از منابع اینها در اقتصاد کشور نمی‌بینید. در گذشته در ازای دریافت رانت، تولید ملی بالا برده می‌شد و دریافت‌کننده رانت، کارخانه و کار ایجاد کرده بود اما کسانی که امروز محکوم می‌شوند یا تخلفات آنها در جامعه به صورت محدود مطرح می‌شود، اثری از منابعشان در تولید نیست. فعالیت سرمایه‌گذاری در کشور ندارند. عملا این منابعی که به صورت رانت به‌دست می‌آورند، اثری در کشور ندارد. این رانت‌ها، رانت‌های تخریبی شده است. مثلا کسانی که در گذشته وام گرفتند، شهرک اکباتان را ساختند. به هر حال این منابع در کشور ایجاد اشتغال کرد و**

اقتصاد

نگاه

احتکار مسکن و ادغام بانک‌ها

فریبرز مسعودی . روزنامه‌نگار

● برخی دولت‌ها در دوره‌های رکود به سرمایه‌گذاری در بخش مسکن و املاک به عنوان محملی برای جذب اضافه نقدینگی بانک‌ها و کلان سرمایه‌داران نگاه می‌کنند تا به این وسیله از خروج سرمایه‌های بزرگ از کشور جلوگیری شده و با جذب آنها در بخش مسکن به علت گستردگی دامنه آن و اشتغال‌زایی هرچند کوتاه‌مدت با جلوگیری از تعمیق رکود اقتصادی شرایط رشد را رقم بزنند. از سوی دیگر با ایجاد رونق ساخت‌وساز با جذب و هدایت نقدینگی‌های سرگردان در دست مردم از افزایش تورم نیز تا حدودی جلوگیری کند و فرصت تنفسی به دولت برای سازماندهی تولید و بازگشت اقتصاد به شرایط طبیعی آن بدهد. در برخی از اقتصادها

مانند ترکیه کنونی و امارات رونق‌دهی بخش مسکن با سرمایه‌گذاری دولت در احداث زیرساخت‌های آن مانند شهرسازی، جاده و خیابان‌کشی، آب و فاضلاب و برق و سوخت‌رسانی این بخش را به یکی از عرصه‌های جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه اقتصادی کشور تبدیل کرده که البته با ریسک‌های بسیار بالایی نیز روبه‌روست. سرمایه‌گذاری گسترده بانک‌ها در ایالات متحده آمریکا در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ و همچنین ژاپن در دهه ۱۹۹۰ باعث نزدیکن حباب مسکن و خیابان‌کشی، جاده و زیرساختی بانک‌های بزرگ این کشور و بحرانی‌شدن اقتصاد آمریکا شد که تا سال‌ها آثار آن پابرجا ماند.

تولید برای احتکار

سرمایه‌گذاری گسترده در بخش مسکن به‌علت نیاز آحاد مردم به سرانه همواره موجب تحریک اشتغالی سودجویان بوده است. در ایران به دلیل ساختار رانتی اقتصاد، بانک‌ها و سرمایه‌داران دانه‌درشت در بخش مسکن سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای انجام داده‌اند که برخلاف ادعای تئورسیسین‌های نولیبرال این افزایش تولید مسکن نه تنها باعث کاهش قیمت نشده بلکه قیمت آن روزبه‌روز بالا رفته تا حدی که خرید مسکن برای اکثریت مردم کشور تبدیل به رؤیایی دست‌یافتنی شده است. طبق اطلاعاتی که از مراجع رسمی منتشر می‌شود، حدود ۵۰۰ هزار خانه خالی در تهران را به عبارتی حدود ۱۳ درصد خانه‌های تهران و حدود دومیلیون و ۶۰۰ هزار واحد خالی در سراسر کشور وجود دارد. برگزاری خانه ملت در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۹۸ که نقل به علوی نماینده سنجد در مجلس آمار خانه‌های خالی را بیش از سه‌میلیون و ۴۰۰ هزار واحد اعلام می‌کند. به گفته زهرا سعیدی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس ۷۰ درصد معامله‌های مسکن برای مصرف نیست. به گفته وی یک نفر در شهری مالک ۷۰۰ خانه خالی است و نفر دیگری در تهران مالک دههزار و ۵۰۰ خانه است که این خانه‌ها را وارد بازار نکرده‌اند. به گفته این نماینده از ۱۰میلیون و ۵۰۰ هزار خانه که از سال ۱۳۸۵ تا ۸۶ در ایران ساخته شده تنها دومیلیون و ۵۰۰ هزار دستگاه آن برای مصرف و بقیه در دست افراد ثرائگذار در بازار یا به عبارتی در دست متحرکان مسکن و سرمایه‌گذارانی است که از مسکن به عنوان کالا استفاده کرده و با بالا بردن یهای مسکن به ایجاد حباب در بازار مسکن دست می‌زنند.

میلیاردها دلار سرمایه حبس‌شده

سایت تابناک با احتساب دو میلیون واحد خالی برآورد کرده که سرمایه‌های گیرکرده در بازار مسکن حدود ۱۰ میلیارد دلار است. طبق گزارشی که از تازگی انتشار یافته، بانک سرمایه به تنهایی بیش از ۴۱۱ میلیارد تومان در بخش مسکن سرمایه‌گذاری کرده و به علت نبود مشتری بر اثر گرانی شدید مسکن زبان انباشته آن در سال جاری با ۵۰ درصد افزایش به بیش از ۵۸۳ میلیارد تومان رسیده و در آستانه ورشکستگی است. کمال اطهری در گفت‌وگو با روزنامه آرتان در سال ۹۷ بانک‌ها را سرمایه‌گذاران عمده بازار مسکن می‌داند. این رویکرد بانک‌ها به سرمایه‌گذاری در بخش مسکن نه تنها از ورود اعتبار به بخش‌های مولد اقتصادی جلوگیری می‌کند بلکه باعث رکود اقتصادی و ایجاد حباب مسکن شده است.

● **ترکیدن حباب مسکن دور نیست**
شواهد و قرائن موجود نشان می‌دهد که ترکیدن حباب مسکن دور از انتظار نیست. با وجود حدود دویتم تا سه‌و نیم میلیون خانه خالی در کشور، تورم و گرانی روزافزون قوت روزانه که دارایی‌های طبقه رزحمتکش جامعه را بلعیده، سیاست‌های بانک‌های دولتی مانند دولت در برابر طر‌هایی مانند دریافت مالیات از خانه‌های خالی، گرانی سرانه که باعث مهاجرت‌های گسترده به حاشیه شهرها و کانکشنشینی و چادرنشینی شده و تحریم‌های آمریکا که مزید بر علت شده، ترکیدن حباب مسکن باعث بروز بحرانی گسترده در سیستم مالی و پولی کنونی کشور که اوضاع شکننده‌ای دارد خواهد شد به نظر می‌رسد برخی از بانک‌ها و صندوق‌های اعتباری ورشکسته که سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای در بخش مسکن انجام داده‌اند با لاجأت و ایستادگی بر سر قیمت‌های سرسام‌آور خانه قصد دارند با بالانشان‌دادن ارزش دارایی‌های خود پس از ادغام در بانک‌های دولتی مانند بانک سپه بدهی‌های زیان‌های انباشته خود را به دولت منتقل کرده و همان‌گونه که در بحث پرداخت سپرده‌گذاران موسسه ثامن دیدیم دولت بدهی‌های این مؤسسه‌ها و بانک‌ها را از کیسه مردم پرداخت و بحران را به بخش عمومی منتقل کند.